

اصول راهبردی سیاست خارجی اسلام در سوره ممتحنه با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای دام ظلّه

سیدحسن هاشمی نسب*

علی آقا صفری*

چکیده

اسلام دین جهانی و به دنبال ایجاد حکومت فراگیر در سراسر گیتی است. در شرایطی که وسعت گستره جغرافیایی و وجود حکومت‌های مختلف در دنیا که همگی نیازمند تعامل و ارتباط سازنده با هم هستند، این ضرورت حس می‌گردد که بر اساس آموزه‌های اسلام و فقه اسلامی، اصول و چارچوب سیاست خارجی اسلام با عنایت به سوره ممتحنه و با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری به واکاوی گرفته شده؛ تا مشخص گردد با کشورها و حکومت‌های مختلف، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، چگونه باید برخورد و تعامل صورت گیرد. بر همین اساس، نوشته حاضر به بیان اصول سیاست خارجی به دست آمده از سوره ممتحنه با تأکید بر بیانات رهبری پرداخته است. با بهره‌گیری از روش استنباطی شهید صدر بدست آمد که مهم‌ترین اصول سیاست خارجی اسلامی مطرح شده در سوره مبارکه ممتحنه عبارت‌اند از: اصل عدم اعتماد به دشمن و هوشیاری در برابر کید آنان، اصل نفی سبیل و استقلال، اصل دعوت و تألیف قلوب، اصل ارتباط و اقدام متقابل. افزون بر آن روشن شد که اصول فوق راه گشای سیاست‌مدارانی است که در عرصه بین‌الملل با غیر مسلمانان ناچار به برقراری رابطه و انتخاب اقدام مناسب هستند، می‌باشد. امام خامنه‌ای در بیانات و تفسیر سوره یاد شده بر اصول ذکر شده تأکید نموده و اعتلا و سربلندی کشورهای اسلامی و امت مسلمان را در تمسک و التزام عملی به اصول نام‌برده دانسته است.

واژگان کلیدی: سوره ممتحنه، اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای، اصول سیاست خارجی.

*. دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)؛ sed12hashem@gmail.com

*. استادیار جامعه المصطفی العالمیه: a.a.safari1364@gmail.com

مقدمه

جامعیت و گستردگی احکام اسلامی و ماهیت اجتماعی و سیاسی آن‌ها نشان‌گر این موضوع برجسته و مهم است که مقوله‌ی حکومت به‌عنوان روحی کلی در متن تعالیم آن جریان دارد. اسلام بر این اصل بنیادی اهتمام ویژه‌ای نموده و در تمام قلمروهای حکومتی و سیاسی، برنامه و طرح ارائه نموده است؛ از جمله مسائل و مقولات تابعی مباحث حکومت و نظام سیاسی اسلام، سیاست خارجی و کیفیت تعامل نظام اسلامی با دول بیگانه است. از طرفی هم حفظ اقتدار و عزت مسلمین و مقابله با کفر و به انزوا کشیدن آن در سایه‌ی یک حکومت مبتنی بر سیاست‌های خارجی و اساسی اجرا می‌گردد. با عنایت به آرمان‌های جهانی اسلام و همگانی بودن آن و نیز گسترش ارتباطات در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، دولت اسلامی نمی‌تواند خود را در محدوده‌ی جغرافیایی خاصی محصور کند. دولت اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی و نیز نیازها و ضرورت‌های زندگی عصر کنونی، باید با دیگر ملت‌ها و دولت‌ها ارتباط داشته باشد تا در پرتو روابط بین‌المللی بتواند پیام الهی را به گوش جهانیان برساند. البته روابط دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها بر اساس عدالت پایه‌ریزی می‌شود.

با توجه به دغدغه‌ها و سؤال‌های جوامع اسلامی درباره‌ی کیفیت ارتباط با بیگانگان و عدم تعامل دینی و اسلامی برخی کشورهای مسلمان بر طبق معیار و اصول و ملاک‌های دینی و شرعی در برخورد با آن‌ها لذا به دلیل جامعیت سوره ممتحنه در امر سیاست خارجه و لزوم ارتباط با بیگانگان، بر آن شدیم تا اصول و کلیات این ارتباط را از این سوره‌ی مهم استخراج و با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار دهیم.

مهم‌ترین محورهای لازم در سوره‌ی ممتحنه یا سلبی‌اند و یا ایجابی که عبارت‌اند از:

۱. محورهای سلبی سیاست خارجی در سوره‌ی ممتحنه:

الف) منع ولایت کافران (منع سرپرستی، مودت و دوستی کافران)؛ ب) تحذیر از خطر دشمنان دین و عاقبت بازدارنده‌ی ارتباط با آنان (اشاره به کینه‌ی پنهانی و خشم ظاهری آنان؛ خروج از دایره‌ی ایمان در صورت ارتباط با آنان)؛ ج) گسستن هر نوع پیوند از دشمنان غضب شده‌ی خدا (پیوندهای تباری، سببی و نسبی؛ پیوندهای سری؛ هر پیوندی جز پیوند الهی)

۲. محورهای ایجابی سیاست خارجی در سوره‌ی ممتحنه:

الف) برگزیدن اسوه از الگوهای شاخص تاریخ (معرفی ابراهیم و اصحابش به عنوان امت واحده)؛ ب) هوشیاری از نیفتادن در دام فتنه‌گران؛ ج) تلاش در جذب مخالفان و دعوت به اسلام؛ د) ارتباط در حد ضرورت؛ ه) شدت و غلظت در برابر کافران؛ و) حضور زنان در جریان‌های بزرگ تاریخی و اجتماعی

گزاره‌های یاد شده جامعیت سوره ممتحنه در بیان اصول راهبردی سیاست خارجی اسلامی را نشان می‌دهد که به قدر وسع و ظرفیت محدود نوشتار سعی می‌شود که برجسته‌ترین آنها به صورت مستدل و مستند تبیین و تحلیل شود.

• پیشینه پژوهش

در زمینه‌ی اصول سیاسی، کتب و مقالات مختلفی به چاپ رسیده است، از جمله‌ی آن کتب، کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی از آیت‌الله منتظری، کتاب فقه سیاسی حجت‌الاسلام عمید زنجانی و کتاب‌های دیگری مانند اصول و مبانی دیپلماسی اسلامی از محمد رضا دهشیری، مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی از سید صادق حقیقت و کتاب المدخل المنهاجیه فی العلاقات الدولیه فی الاسلام نوشته‌ی نادیه محمود مصطفی، حاکمیت و حکومت در فقه شیعه و سنی به نویسندگی حسن امین، ولایت فقیه و حکومت اسلامی از مرحوم امام خمینی (قدس سره) و قواعد فقه سیاسی از روح الامین محمدی که در این زمینه به رشته تحریر در آمدند و هم چنین مقالاتی هم در همین باب منتشر گردیده است همانند سیاست حوزه علمیه در تبیین فلسفه سیاسی اسلام از علی اکبر نوایی، ساختار حکومت در نهج‌البلاغه نوشته‌ی علی اکبر نوایی و ماهیت فقه سیاسی به نویسندگی سید سجاد ایزدی و... البته امتیاز خاص این تحقیق آن است که بررسی اصول سیاست خارجه بر اساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری و در سوره‌ی ممتحنه انجام می‌شود؛ یعنی این تحقیق به طور خاص به برخی اصول سیاست خارجی بر مبنای سوره‌ی ممتحنه با تأکید بر اندیشه‌های رهبری خواهد پرداخت که حسب جستارهای انجام شده خلأ وجود داشت و کار خاصی با رویکرد اتخاذ شده یافت نشد و می‌توان مدعی شد که کار جدید و نیاز جامعه اسلامی است.

تحلیل اصول سیاست خارجی

از سیر تدبر در آیات سوره ممتحنه چنین به دست می‌آید که این سوره از ابتدا تا انتها رابطه‌ی بین مسلمانان و مشرکان را تنظیم و تعیین می‌نماید و هم چنین در پی آن است که رابطه‌ی بین مسلمانان را نیز تقویت نماید. لذا بر همین اساس می‌توان اصول و چارچوبی را که خداوند متعال در این سوره بر آنها تکیه کرده و خطوط اصلی و مهم و نقشه راه مسلمین و حاکمیت اسلام برشمرده را بر چهار اصل پایه‌ریزی نمود.

۱ - عدم اعتماد به دشمن و هوشیاری از کید آنان

شناخت دشمن و عدم اعتماد به او، نقش مهم و اساسی در رویارویی انسان با آنان دارد، چرا که، اگر توان انسان در رویارویی بسیار باشد، ولی اطلاعات کافی را در دست نداشته باشد، شکست خواهد خورد. هر موجود زنده‌ای دشمن دارد و به میزان گستردگی وجود خود با دشمن بیشتری روبروست. او برای گمراه کردن پیروان حق و تضعیف و تحریف مبانی مکتب اسلام، به راهکارهای گوناگونی ممکن است روی بیاورد.

در سوره ممتحنه پنج آیه وجود دارد که از آن‌ها می‌توان اصل عدم اعتماد به دشمن و هوشیاری نسبت به کید آنان را برداشت و استنباط نمود که ابتدا در قالب نمودار منعکس و بعد به ترتیب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

متن آیه	شماره آیه	مفهوم آیه
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ...	ممتحنه/۱	توطئه و کید دشمن
إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً...	ممتحنه/۲	دوگانگی در رفتار دشمن
قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ... إِنَّا بَرَأَوْنَا مِنْكُمْ...	ممتحنه/۴	الگوی مبارزه با دشمن
رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا...	ممتحنه/۵	ابزار سلطه دشمن
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ...	ممتحنه/۱۲	اخذ تعهد همه جانبه از دشمن

براساس جدول ارائه شده به ترتیب مدالیل و مقاصد آیات به قدر ظرفیت محدود نوشتار درچارچوب مسئله اتخاذ شده تبیین و تشریح می‌گردند.

۱-۱- توطئه و کید دشمن

آن چه از آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ...» (ممتحنه/۱) بر می‌آید، این که دشمنی که بر ضد اسلام و مسلمانان در حال توطئه و کید است و می‌خواهد به هر نحو ممکن، اسلام و مسلمانان را از بین ببرد و یک لحظه هم از این هدفش دست بر نمی‌دارد، حال با چنین وضعیتی مسلمانان نباید لحظه‌ای غفلت کنند و فریب ظاهرسازی و لبخند دشمن را بخورند؛ چرا که طبق این آیه گاهی مسلمانان به دشمنی کفار توجهی ندارند، لذا خداوند متعال هشدار می‌دهد که آن‌ها در کمین شما هستند و به دشمن اظهار محبت و مودت نکنید و آن‌ها را ولی خود قرار ندهید.

در برابر چنین دشمن یاغی‌ای که از هر ترفندی برای نابودی مسلمانان استفاده می‌کند، باید هوشیار و آگاه بود تا مبدا نیرنگ‌های او کارساز واقع شود. لذا در همین زمینه مقام معظم رهبری در دیدار با زائران و مجاوران حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: «یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه‌ی دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند» (امام خامنه‌ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۰۱/۰۱،

(<https://khl.ink/f/3378>)

از این رو همیشه نسبت به آن ها باید اصل عدم اعتماد و هوشیاری نسبت به کید آنان را نصب العین قرار دهیم. کلمه‌ی عدو در این آیه اطلاق دارد و به فرد خاصی گفته نمی‌شود. به همین خاطر حکم عدم ولایت و منع دوستی کافران نیز حکمی عام می‌باشد. در تفسیر المیزان در این باره چنین آمده است: «کلمه‌ی «عدو» هم به یک نفر و هم به گروهی از افراد اطلاق می‌شود، ولی در این جا مراد، گروه است؛ زیرا در مقابل آن، کلمه‌ی «أُولِیَاء» که جمع است، به کار رفته است و نیز به قرینه ضمیر جمع در «الیه» و قرائن دیگر.» (طباطبایی، المیزان، ۱۹/۲۲۶)

به طور کلی در سه آیه از قرآن کریم «کافران» به عنوان دشمن نام برده شده اند «نساء/۱۰۱؛ ممتحنه/۱؛ صف/۱۴» که این آیه نیز یکی از مواضع آن است. طبق آیه‌ی اول سوره‌ی ممتحنه، کافران هم دشمن خدا و هم دشمن اهل ایمان نامیده شده اند.

علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: «منظور از این دشمنان، مشرکین مکه‌اند، و دشمن بودن شان برای خدا به خاطر مشرک بودن شان است، به این علت که برای خدا شرکائی قائل بودند و خدا را نمی‌پرستیدند و دعوت او را نمی‌پذیرفتند و رسول او را تکذیب می‌کردند. و دشمن بودن شان برای مؤمنین به خاطر این بود که مؤمنین به خدا ایمان آورده بودند و مال و جان خود را در راه خدا فدا می‌کردند و معلوم است کسانی که با خدا دشمنی دارند، با مؤمنین هم دشمن خواهند بود.» (طباطبایی، المیزان، ۱۹/۲۲۷)

در این آیه خداوند مسلمانان را از القای مودت به کافران نهی می‌نماید. مفسران در این زمینه نیز گفته‌اند که «مراد از القای مودت، اظهار مودت و یا ابلاغ آن به مشرکین است.» (طباطبایی، المیزان، ۱۹/۲۲۷) و نیز در تفسیر آیه آمده است: «هر کس از جماعت مؤمنان بعد از نزول این آیه، به کافران مودت نشان دهد و از سر دوستی‌ای که بینشان وجود دارد، اسرار و اخبار پیامبر (ص) را به کافران برساند، قطعاً از راه راست گم گشته است. به این معنا که از حق، عدول نموده و از راه هدایت و رشد، منحرف گردیده است.» (طوسی، التبیان، ۹/۵۷۷)

در تفسیر مجمع البیان نیز نهی از موالات کافران را به نهی از دوست گرفتن آنان و یاری جستن از آن ها و یاری رسانیدن به آنان تفسیر می‌نماید و مسلمانان را از بذل نصیحت به کافران و خیراندیشی بر ایشان باز می‌دارد. «طبرسی، مجمع البیان، ۹/۴۰۶»

بارها رهبری فرمودند که مسلمانان همواره در برابر رفتارهای کینه‌توزانه و عداوت جویانه دشمنان باید هوشیار باشند. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰، <https://khl.ink/f/2589>) و منفعلانه با دشمن رفتار نکنند. (امام خامنه‌ای، دیدار مردم آذربایجان شرقی با رهبر انقلاب، ۱۴۰۲/۱۱/۲۹، <https://khl.ink/f/55274>).

این روش پیامبر گرامی اسلام بود که در برابر دشمنانی که با ایشان بد رفتاری می‌کردند. در شأن نزول این آیه آمده است که حاطب به خاطر ترسی که نسبت به خانواده و اموالش که در مکه بودند، عذر آورد و پیامبر عذرش را نپذیرفتند. نتیجه این که آیه دلالت دارد بر این که خوف نسبت به مال و خانواده، تقیه را مباح نمی‌کند که

انسان با دشمن دوستی نماید؛ که صاحب کتاب آیات الاحکام نیز این معنا را تأیید می نماید. «جصاص، **أحكام القرآن**، ۵/ ۳۲۶» و طبق تفسیر الوسیط، این نهی صریح، هرگونه ارتباط و دوستی با دشمنان را شامل می شود. «زحیلی، **التفسیر الوسیط**، ۳/ ۲۶۳۵»

۱-۲- دوگانگی در رفتار دشمن

قبل از اینکه آیه شریفه «إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً...» (ممتحنه/۲) تفسیر شود خوب است که ابتدا واژه به کار رفته در این آیه معنا شود. واژه ثقّف در لغت به معنای «مهارت در تشخیص یا انجام چیزی است»؛ «راغب اصفهانی، **مفردات**: ۱۷۳» به همین جهت صاحب تفسیر نمونه معتقد است که این واژه به معنی تسلط ماهرانه بر چیزی نیز به کار می رود. «مکارم شیرازی، **تفسیر نمونه**، ۱۳/۲۴» مجمع البحرين واژه ی «يَتَّقَوْكُمْ» را به پیروز شدن بر شما، معنا کرده است. «طریحی، **مجمع البحرين**، ماده ی ثقّف» همین طور در کتب تفسیر واژه ی «يَتَّقَوْكُمْ» را به غلبه یافتن، «مقاتل بن سلیمان، **تفسیر مقاتل بن سلیمان**، ۴/ ۳۰۰» (یظہروکم) می گوید:

رو به رو شدن و یافتن، «طوسی، **التبیان**، ۹/ ۵۷۸» (یصادفوکم) ملاقات کنند در حالی که پیروز شده اند، «واحدی، **الوجیز**، ۲/ ۱۰۸۸» (یلقوکم و یظفروا بکم) با شما روبرو شوند در حالی که شکست خورده اید و بر شما پیروز شده اند، شما را دریابند و پیروز شوند بر شما، معنا نموده اند. «طبرسی، **تفسیر جوامع الجامع**، ۴/ ۲۷۷» هم چنین عبارت «بسط ایدی بالسوء» کنایه است از زدن، کشتن، اسیر کردن و سایر شکنجه هایی که یک دشمن معمولاً در هنگام ظفر یافتن بر مغلوب روا می دارد. «بسط زبان به سوء» نیز کنایه است از ناسزا و بدگویی. «مقاتل بن سلیمان، **تفسیر مقاتل بن سلیمان**، ۴/ ۳۰۰» چنان که در الوسیط می گوید:

«اگر ملاقاتتان کنند، آن چه از عداوت و بغض در قلب هایشان دارند، برایتان ظاهر می نمایند و دشمن واقعی تان خواهند بود؛ و دست به زدن و اذیت و کشتن شما دراز می کنند و از هر عداوتی با شما دریغ نمی کنند؛ و با زبان شان نیز دشنام دهند و تهمت زنند و شماتت تان نمایند و هر بدی ای با زبان بر شما روا می دارند. آنان با این کارها قصد ارتداد و بازگشت به کفر شما را دارند. آنان حرص می ورزند که خیری به شما مبدا برسد و عداوت شما را هم در باطن شان دارند و هم در ظاهر آن را ابراز می کنند. پس با این شرایط، چگونه آنان را دوست می گیرید در حالی که آنان خود عداوت و بدی را آغاز نمودند؟!» «زحیلی، **التفسیر الوسیط**، ۳/ ۲۶۳۵»

در آیه قبل از دوستی با کفار نهی کرده بود و در این آیه نیز دشمنی کافران با مؤمنان را گوشزد می نماید تا توجه به این امر مسلمانان را از ارتباط و اعتماد با آنان باز دارد و بفرماید نتیجه ی دوستی مؤمنان با کافران، چیره شدن کافران بر مؤمنان است. لذا این دوستی سودی به حال مؤمنان ندارد و از دشمنی کافران نمی کاهد. بلکه عناد آنان نیز افزوده می شود و هدف شان از رابطه با مؤمنان، امید به ارتدادشان است.

هم چنین از نگاه شهید مطهری، این مطلب را هم می‌رساند که «هشدار به عدم اعتماد با کفار، تنها به خاطر مسلمان بودن آن‌ها نیست. بلکه مسئله این است که شما از نیت‌های واقعی آن‌ها غافلید. آن‌ها ممکن است به شما بگویند هرچند ما مسلمان نیستیم ولی اهل یک قبیله و فامیل هستیم و واقعیت حرفشان این است که ایمان یک مسئله‌ی سطحی و غیر مهم است. اگر امروز چنین حرفی می‌زنند، دروغ می‌گویند و به دنبال فرصت هستند و قرآن خیلی روی فرصت طلبی آن‌ها تکیه می‌کند. اگر روزی فرصت دست‌شان بیاید که ضربه‌ی خودشان را وارد کنند، آن وقت دشمنان شما خواهند بود. ... تمام آرزوی‌شان این است که شما را از این ایمان و دین و مسلک تان بر گردانند.» «مطهری، مجموعه آثار استاد مطهری، ۲۷/۲۱۱».

بر همین اساس است که امام خامنه‌ای با بهره‌گیری از کلام وحی در جمع دانشجویان می‌فرمایند: «این‌که ما بتوانیم طرح کلی دشمن را در مورد خودمان بدانیم، بخشی از توان دفاعی ماست؛ به این مسأله توجه داشته باشید. ندانستن این‌که دشمن چه در سر دارد و چه می‌خواهد بکند، غفلتی است که ممکن است ما را از امکان برخورد و دفاع محروم کند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۲۲/۰۲/۱۳۸۲، <https://khl.ink/f/3176>).

۱-۳- الگوی مبارزه با دشمن

آیه «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...» (ممتحنه/۴)، نیز مانند آیات قبل به رابطه‌ی مؤمنان با کافران و شیوه‌ی برخورد با آنان و هوشیاری از کید دشمنان می‌پردازد و وظیفه‌ی زنان و مردان مؤمن را مشخص می‌کند. به خصوص هنگامی که زنان مسلمان می‌شوند و مردان کافر باقی می‌مانند و یا بالعکس. گفته شد که این سوره، ممتحنه نامیده شده است، به خاطر واژه‌ی «فامتحنونهن» که مسلمانان را امر می‌کند انگیزه‌ی هجرت این زنان را بیازماید؛ چون انگیزه‌های متفاوتی ممکن بود برای مهاجریشان وجود داشته باشد؛ از قبیل جاسوسی، فرار از ازدواج قبلی، میل به زندگی جدید، رسیدن به مال و فامیل و... . لذا آن هنگام که خطر جاسوسی و امثال آن جامعه‌ی اسلامی را تهدید می‌کند، گزینش و آزمودن لازم است. «ابن عباس می‌گوید امتحان‌شان به این بود که باید سوگند یاد کنند هجرت آن‌ها به خاطر کینه با شوهر، یا علاقه به سرزمین جدید و یا هدف دنیوی نبوده بلکه تنها به خاطر اسلام بوده است.» «مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲۴/۳۶»

رهبر انقلاب در زمینه نفوذ دشمن در حاکمیت و بین مسلمانان بارها تذکر و مطالب مهمی را بیان فرموده‌اند از جمله در اجتماع بزرگ مردم قم فرمودند: «یک ملت وقتی اجازه بدهد که یک قدرت بیگانه در دستگاه‌های سیاسی او یا در دستگاه‌های فرهنگی او نفوذ کند، سرنوشت این ملت همان کودتای ۲۸ مرداد است که دوباره محمدرضا پهلوی که فرار کرده بود بازگردانند و حکومت سیاه پهلوی ۲۵ سال بعد آن ادامه پیدا کرد.» (امام خامنه‌ای، بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۴/۰۷/۱۳۷۹، <https://khl.ink/f/3028>).

در این آیه شارع مقدس به مسلمانان دستور می‌دهد که به پیشینه افراد توجه داشته باشند و به سادگی به آنان اعتماد نکنند و هوشیاری خودشان را بالا ببرند چرا که مسلمان همیشه باید هوشیار باشد. به همین جهت نیز خداوند در این آیه دستور به امتحان و آزمایش زنانی می‌دهد که سابقاً کافر بوده‌اند و اکنون اعلام می‌دارند مسلمان شده‌اند و ایمان آورده‌اند. لذا باید مسلمانان ایمان آنان را بسنجند، سپس در صورت تأیید اعتماد نمایند. به همین دلیل است که مقام معظم رهبری فرمودند: «برنامه‌ی نفوذ یک برنامه‌ی جدی استکبار است، برنامه‌ی جدی آمریکایی‌ها است؛ دارند دنبال می‌کنند که نفوذ کنند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰، <https://khl.ink/f/32587>).

۱-۴- ابزار سلطه دشمن

خداوند در آیات قبل سوره ممتحنه به مسلمانان تأکید می‌کرد از اعتماد، ارتباط و دوستی با کافران بپرهیزند و همواره هوشیاری خود را نسبت به کید کفار حفظ نمایند؛ اما در آیه «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا...» (ممتحنه/۵) آموزش می‌دهد که در مبارزه و مواجهه با دشمن و در امان ماندن از کید و حيله آنان از دعا و استمداد از درگاه الهی نیز بی‌نیاز نیستید. شاید منظور آیه این باشد که گاهی دشمن چنان فریب کارانه و با لبخند و ظاهری آراسته و حق به جانب به سوی شما می‌آید که اگر عنایت خداوند متعال نباشد، شما به تنهایی قدرت تشخیص دشمنی دشمن را نخواهید داشت. اما در خصوص فتنه قرار گرفتن مسلمانان برای کفار، در تفاسیر نقل‌های مختلفی آمده است که ما در این جا به برخی از موارد آن اشاره می‌کنیم.

تفسیر مقاتل در این باره معتقد است که مصداق فتنه قرار گرفتن مسلمانان برای کافران، این است که «روزی مسلمانان کم شود ولی روزی و رزق کافران زیاده گردد به این ترتیب مسلمانان به کفار در طلب روزی شان محتاج شوند.» (مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، ۳۰۱/۴)

در کتاب الوجیز نیز آمده است که معنای دعای مسلمانان مبنی بر فتنه قرار نگرفتن شان برای کافران این است که «کافران بر آنان غلبه نکنند تا خود را بر حق پندارند.» (واحدی، *الوجیز*، ۱۰۸۹/۲)

در تفسیر مجمع البیان هم معنای عبارت فتنه قرار نگرفتن مسلمانان برای کافران، چنین آمده است: «پروردگارا! ما را به دست کافران عذاب نکن و ما را با بلایی آزمایش نکن که کافران به ما بگویند: اگر شما بر حق بودید، این بلا به شما نمی‌رسید.» (طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۹، ص ۴۰۷/۹)

در کتاب شریف کافی، از امام صادق (ع) منقول است: «هیچ انسان مؤمنی نبود مگر این که فقیر بود و هیچ انسان کافری نبود مگر این که ثروتمند بود؛ تا این که حضرت ابراهیم فرمود: «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا» از آن پس خداوند از مؤمنان عده‌ای را فقیر و عده‌ای را ثروت مند قرار داد و هم چنین از کافران هم عده‌ای را فقیر و عده‌ای را ثروت مند گردانید.» (کلینی، *الکافی*، ۲۶۲/۲)

گاهی دشمن شبهات و فتنه‌هایی را بین مسلمانان ایجاد می‌کند که متأسفانه برخی افراد ناآگاه و مغرض همان را بین مردم گسترش می‌دهند و خواسته یا ناخواسته پیاده نظام و سرباز دشمن قرار می‌گیرند و کلام عمیق مقام معظم رهبری در جمع

دانشجویان نشان‌گر همین مطلب است که: «دشمن می‌خواهد مطالب خود را در بین مردم به‌دروغ و فریب منتشر کند. ما نباید عامل دشمن شویم و کار دشمن را آسان کنیم و همان چیزی را که او می‌خواهد در فضای فکری و فرهنگی جامعه ما به وجود آورد، در داخل کشور به وسیله مطبوعات، رسانه‌ها و میز خطابه‌ها به خورد مردم دهیم.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه، ۱۳۸۱/۰۵/۰۵۱، <https://khl.ink/f/3133>).

۱-۵- اخذ تعهد همه جانبه از دشمن

به نظر می‌رسد امنیت جامعه‌ی دینی آن چنان اهمیتی در اسلام دارد که حتی پس از اثبات ایمان برای افراد، از آنان بیعت و تعهد هم می‌گیرد و به راحتی به ایشان اعتماد نمی‌کند. همواره تمام جوانب را در نظر می‌گیرد تا هیچ مشکلی جامعه را تهدید نکند و صرفاً به جهت ایمان داشتن، آنان را تأیید نمی‌نماید. از این رو در این سوره مبارکه به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌آید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ...» (ممتحنه/۱۲) که از افرادی که تازه مشرف به دین اسلام می‌شوند و ادعای اسلام آوردن دارند تعهد گرفته شود.

مفاد بیعت با پیامبر (ص) نیز بسی جامع می‌باشد و همه‌ی جوانب امنیتی را در نظر گرفته است؛ از جمله امنیت مالی و اقتصادی «لَا يَسْرِقَنَّ»، امنیت خانوادگی «لَا يَزْنِيَنَّ»، امنیت جانی «لَا يَقْتُلَنَّ»، امنیت حیثیتی و عرضی «لَا يَأْتِيَنَّ بِبُهْتَانٍ» و هم امنیت سیاسی، اجتماعی «لَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ».

امام خامنه‌ای (حفظه الله) در این باره می‌فرماید: «تقوا به این معنا است: مراقبت از خود در مقابله‌ی با دشمن، پرهیز از اعتماد به دشمن به دشمن اعتماد نکنید تقوا به این معنا است؛ به معنای مراقبت از حيله و مکر دشمن است؛ نه فقط به او اعتماد نکنید بلکه حتی ترفند او را هم بفهمید، بدانید چه کار دارد می‌کند، چه حيله‌ای به کار می‌زند؛ آماده باشید، مراقب باشید؛ حيله‌های دشمن هم فقط حيله‌ی نظامی نیست.» (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین، ۱۳۹۷/۰۴/۰۹، <https://khl.ink/f/40055>).

از منظر قرآن کریم، اهل ایمان خودی و غیر مؤمنان بیگانه‌اند؛ ولی از آن جا که اسلام دین انزوا نیست، رابطه با بیگانگان را ممنوع نمی‌کند. از آیات مورد بحث نیز که علت نهی از بطانه را مطرح می‌فرماید نمی‌توان قطع رابطه با کافران را به طور مطلق برداشت کرد. این آیات تنها از رابطه‌ی بطانه‌ای مسلمانان با نامسلمانان نهی می‌کند که آن هم در خصوص رازداری است. لذا آیه‌ی مورد بحث، از هرگونه ارتباطی که به پی بردن دشمن به اسرار کلیدی امت اسلامی بینجامد، نهی می‌کند.

۲- نفی سبیل و استقلال

اصل نفی ولایت کفار بر مسلمین که از آیات قرآن و سنت معصومین (علهیم السلام) استخراج می‌شود و عقل نیز مؤید آن است، از جمله قواعد فقه است که در روابط حقوقی مسلمانان با غیرمسلمانان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و به عنوان شاخصی مطمئن برای تعدیل و تنظیم روابط یادشده به کار می‌رود و حافظ استقلال، عزت و شرافت مسلمانان است. این اصل اشاره به آیه‌ی شریفه‌ی «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱) می‌باشد و عنوان

نفی سبیل برگرفته از نص آیه قرآن است. هم چنین علاوه بر آیهی فوق به سایر آیاتی که مؤمنان را از پذیرش و قبول ولایت کافران بر حذر می‌دارند و یا به عواقب منفی و زیان بار آن هشدار می‌دهند، استدلال شده است.

در جهان امروز که کشورهای استعمارگر به دنبال نفوذ و سلطه هر چه بیش‌تر بر ممالک اسلامی هستند، قاعده‌ی نفی سبیل، سنگری مهم در برابر هجمه‌ها محسوب می‌شود. «قاعده‌ی نفی سبیل بیان‌گر دو جنبه‌ی ایجابی و سلبی است که جنبه‌ی سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان است و جنبه‌ی ایجابی آن بیان‌گر وظیفه‌ی دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است.» «دهشیری، اصول و مبانی دیپلماسی اسلامی در مجموعه آثار امام خمینی و حکومت اسلامی، ۶/۶۳».

تذکر این نکته نیز مهم است که آیات قرآن، صفات و خصلت‌های کفار را حسادت، خیانت، عدم پایداری به پیمان‌ها و عدم محبت به مسلمانان می‌شمارند و مسلمانان را از داشتن ولایت به کفار نهی می‌کنند.

۱-۲- اصل عدم تسلیم

مسئله عدم تسلیم یکی از مهم‌ترین اصول مسلم و قطعی اسلام بوده و از آیه اول سوره ممتحنه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ...» (ممتحنه/۱) نیز بدست می‌آید.

این آیه علاوه بر عدم اعتماد به دشمن و هوشیاری از کید آنان بر اصل نفی سبیل و استقلال مسلمین هم دلالت دارد. رهبری بیان داشته‌اند: «اصل عدم تسلیم در مقابل زیاده‌خواهی دشمن و این‌که هرگونه تسلیم و نرمش، او را تشویق خواهد کرد، پابرجاست. این اصل، همیشگی است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲، <https://khl.ink/f/3176>).

در ابتدای این آیه به صراحت بیان می‌دارد و به مؤمنین هشدار می‌دهد که کفار هیچ‌گونه ولایت و برتری نسبت به شما ندارند و مبادا آن‌ها را ولی برگزینید به طوری که موجب تسلط بر شما شود و نهی می‌کند از هرگونه ارتباطی که موجب تسلط و زیر سؤال رفتن عزت مسلمین باشد.

۲-۲- اصل عدم وابستگی، فساد و سلطه

نفی ظلم و فساد و وابستگی به بیگانگان از اعتقادات راسخ و پابرجای دین مبین اسلام است و قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره ممتحنه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...» (ممتحنه/۱۳).

این آیه اشاره به عدم ولایت و سرپرستی و منع دوست گرفتن دشمن دارد؛ زیرا که دشمن، استقلال مسلمانان را نشانه رفته است و مسلمانان نباید اجازه‌ی تسلط دشمن را به خود بدهند؛ لذا آیه، هرگونه سلطه‌ی دشمن بر مسلمانان را رد می‌کند. همان‌گونه که در آیات اول و نهم نیز خداوند مؤمنان را به شدت از موالات کافران بر حذر داشته بود، در این آیه نیز نهی می‌فرماید. چنان‌که گفته‌اند که این آیه معطوف بر آیه‌ی اول است. «قمی، تفسیر القمی، ۲/۳۶۴».

در تفاسیر آورده‌اند که منظور از این قوم که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده است، قوم یهود است. چنان چه در المیزان آمده است: «یهودیان از ثواب آخرت مایوسند، همان طور که کفار مدفون در قبور از میان همه اهل قبور مأیوس از آنند.» «طباطبایی، المیزان، ۳۸۶/۱۹»

رهبر انقلاب در جمع دانشجویان فرمودند: «نفی ظلم، سلطه، استبداد، وابستگی و فساد، همه منبعث و برخاسته از اعتقاد دینی است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲، <https://khl.ink/f/3176>).

خداوند همان گونه که در ابتدای سوره از موالات کافران نهی کرده بود، در انتها نیز سوره را با همین نهی، ختم می‌نماید. صاحب تفسیر نور، معتقد است که در این جا نیز منظور از ولایت، هم دوستی است و هم سرپرستی؛ «قرائتی، تفسیر نور، ۵۹۵/۹» که در مباحث قبل بحث آن گذشت.

۳- اصل دعوت و تألیف قلوب

یکی دیگر از اصولی که با عنایت به سوره ممتحنه می‌توان در سیاست خارجی به کاربرد، اصل دعوت و تألیف قلوب می باشد. بنای اولیه اسلام و حکومت اسلامی باید بر دعوت بشریت به اسلام و حکومت الهی باشد و حتی در برخی موارد برای ایجاد انس و مودت و محبت انسان‌ها به اسلام و نرم کردن قلوب آنان، نیاز به تألیف قلوب است؛ به طوری که پذیرش اسلام برای آنان شیرین‌تر و سهل‌تر گردد. بر همین اساس دعوت غیر مسلمانان به پذیرش اسلام مبتنی بر سه امر ذیل است:

الف) جهان شمولی و فرازمانی و فرامکانی

یکی از برجستگی‌ترین و مهم‌ترین امتیازات دین مبین اسلام و مأموریت پیامبر اکرم (ص) این است که جهانی و همگانی و فرازمانی و فرامکانی است نه متعلق به قوم و قبیله و ملت و مملکت خاص و نه به زمان و مکان معین بلکه مخاطب و رسالت و مأموریت آن احاد بشریت تا روز قیامت را در بر می‌گیرد و این هم در شبکه‌ای از آیات معجزه‌جاوید پیام اکرم (ص) قرآن کریم به صراحت بیان شده است که به اختصار به چند مورد اشاره می‌گردد: قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران/۱۹)؛ «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران/۸۵)؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبا/۲۸)؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۱۰۷) و «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف/۱۵۸).

مستفاد از آیات ذکر شده، تنها دین مورد تأیید در پیشگاه خالق کلان نظام هستی، اسلام بوده و مأموریت پیامبر رحمت نیز برای عموم انسان‌ها و رحمت برای جهانیان و پیامبر آنان است. از این رو جهان شمولی و فرازمانی و فرامکانی بودن رسالت و مأموریت آن از آیات بدست می‌آید.

ب) اختیار و آزادی و به دور از اجبار و اکراه

دومین مسئله‌ای که در گزاره‌های وحیانی قرآن کریم به آن تصریح شده است و باید مطلق نظر قرا گیرد آزادی و اختیار و عدم اجبار و اکراه در پذیرش معارف و حقایق دین است و رسالت پیامبر اکرم (ص) ابلاغ پیام از جانب خداوند متعال است و انتخاب هدایت و ضلالت به انسان‌ها گذاشته شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره/۲۵۶) و «فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (نحل/۳۵) دلالت دارند که پذیرش اسلام، جنبه‌ی اکراه و اجبار ندارد و آدمی مختار است از روی میل و اراده‌ی خود دعوت اسلام را بپذیرد. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳). برپایه آیات یاد شده اختیار و آزادی انسان و عدم اجبار و اکراه او در پذیرش دین بدست می‌آید.

ج) دعوت و ابلاغ پیام و معارف وحیانی

سومین مسئله مهم و محوری درباره دین مبین اسلام و رسالت آن، دعوت و ابلاغ پیام آن است که در چارچوب مشخص و با حفظ ضوابط و اصول معین شده باید صورت گیرد. در واقع «دعوت غیر مسلمانان به پذیرش اختیاری اسلام، جزء ضروریات دین است» (شکوری، *فقه سیاسی اسلام*، ۳۵۸/۲) و خداوند در آیات بسیاری مسلمانان را مأمور نموده تا قبل از جهاد با کفار، آنان را با روش‌های مسالمت‌آمیز به راه راست و دین حق دعوت نماید. «اشاره به آیه‌ی شریفه: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» نحل/۱۲۵». از این رو، هرگاه حکومت اسلامی، امور جامعه‌ی مسلمین را بر عهده گیرد، وظیفه دارد رسالت جهانی پیامبر اسلام (ص) را به گوش غیر مسلمانان برساند و آنان را از طریق ابزارهای متداول و مشروع به اسلام دعوت نماید.

این بحث را با یک پرسش اساسی ناظر به ماهیت روابط خارجی از دیدگاه اسلام پی می‌گیریم که آیا اسلام در روابط خود با جوامع غیر اسلامی اصل را بر جنگ می‌گذارد یا دعوت؟

بدون تردید یکی از مهم‌ترین و احتمالاً هدف اصلی فرستادن انبیا دعوت است. آیات متعدد قرآن کریم پیامبران را دعوت گران دینی معرفی می‌کند. بر این اساس، نخستین وظیفه پیامبر (ص) و رهبران دینی همانا دعوت بشر به تعالیم و ارزش‌های وحیانی است. از طرف دیگر، جهاد و جنگ با مشرکان و طغیان گران بی‌تردید یکی از وظایف اساسی مسلمانان و رهبران دینی محسوب می‌گردد. آن چه در مورد جهاد و جنگ حائز اهمیت است فلسفه‌ی تشریع این پدیده است که جهاد برای چیست و چه زمانی انجام می‌پذیرد.

با تحلیل و موشکافی این نکته احتمالاً بتوان رابطه دعوت و جهاد و اصل در روابط خارجی دولت اسلامی را به دست آورد.

اگر جهاد برای کشورگشایی باشد، احتمالاً بر دیدگاه خاورشناسان مبنی بر جنگ محوری اسلام صحه می‌گذارد، اما اگر فلسفه تشریع جهاد برای دعوت به تعالیم وحیانی و ارزش‌های اسلامی باشد، نه سلطه‌جویی و کشورگشایی، ادعای مذکور ناتمام و غرض‌آلود خواهد بود. ما در این نوشتار ادعا داریم که اصل در روابط خارجی اسلام بر دعوت استوار است و جنگ حالت استثنایی است که بنا بر ضرورت تجویز می‌گردد. عصاره‌ی استدلال ما بر این فرضیه، آن است که جهاد اسلامی یکی از مراحل دعوت به شمار می‌رود و برای ترویج ارزش‌های دینی صورت می‌گیرد.

اکنون بحث را با طرح اهمیت دعوت در آیات قرآن به عنوان یکی از اصول روابط خارجی و روایات مرتبط با این موضوع دنبال می‌کنیم.

آیات متعددی اولین و مهم‌ترین وظیفه پیامبر را دعوت به خیر و صلاح می‌داند. خداوند سبحان پیامبران خود را مبلغان پیام خود و مظهر رحمت خویش و اصلاح و تزکیه بشر معرفی می‌کند. «از جمله آیات ناظر به اصل دعوت سوره‌های: انبیاء/۱۰۷؛ بقره/۱۵۱؛ اسراء/۱۵؛ مائده/۱۹؛ نساء/۱۶۵؛ مزمل/۱۵؛ احزاب/۴۵ و ۴۶؛ الحاقه/۱۰؛ توبه/۱۲۸ و...»

به همین دلیل رهبر انقلاب فرمودند: «صحنه‌ی اول از زندگی پیامبر، صحنه‌ی دعوت و جهاد بود. کار مهم پیامبر خدا، دعوت به حق و حقیقت و جهاد در راه این دعوت بود» (امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۰۷/۰۵). <https://khl.ink/f/2497>. در برخی آیات، خداوند آن چنان به ابلاغ پیام خود و دعوت بشر به ارزش‌های اسلامی اهمیت می‌دهد که وعده می‌کند تا زمانی که رسولی را به ادای این وظایف نگمارد، کسی را مجازات نخواهد کرد.

در روابط خارجی اسلام نیز اصل دعوت به عنوان یکی از اصول اساسی مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد. خداوند در یکی از آیات خطاب به پیامبر این اصل را چنین معرفی می‌کند:

«بگو ای اهل کتاب، به کلمه‌ای روی آورید که میان ما و شما یکسان است، جز خدای واحد را نپرستیم و چیزی را شریک حضرتش قرار ندهیم و غیر از خداوند کسی را ارباب و فرمان روایمان ندانیم.» (آل عمران/۶۴)

این آیه و نظایر آن به خوبی بیان‌گر آن است که پیامبر اسلام (ص) در روابط خارجی خویش قبل از هر امری موظف است آنان را به خدای واحد بخواند. در سیره پیامبر اکرم نیز این اصل پیش از هر امری به چشم می‌آید، حضرت تا دعوت نمی‌کرد، دستور جهاد نمی‌دادند. «صلح حدیبیه، ارسال پیام و سفیر به دربار امپراتوری ایران و رم و غیره. برای مطالعه مبسوط در مورد سیره پیامبر (ص) در این زمینه ر.ک: زحیلی، *آثار الحرب فی الاسلام*: ۳۲۰-۳۲۳»

در روایتی حضرت علی (ع) می‌فرماید: «زمانی که پیامبر مرا به سوی یمن می‌فرستاد، فرمود: یا علی! اگر خداوند یک نفر را به دست تو هدایت کند بهتر از تمام آن چیزی است که آفتاب بر آن می‌تابد.» «جعفری، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، ۱۷۴/۱۰-۱۷۶»

ابویعلی و طبری و دیگران به نقل از ابن عباس می‌گویند: «رسول خدا هرگز با هیچ قومی نجنگید مگر این که آن‌ها را به اسلام فرا خواند» «متقی هندی، *کنز العمال*، ۴۸۳/۴»

پیامبر اسلام (ص) چنان به مسئله‌ی دعوت اهمیت می‌دهد که در همه‌ی جنگ‌ها ابتدا به دعوت می‌پردازد، حتی مردمانی را که قبلاً دعوت کرده مجدداً به اسلام می‌خواند. باوجود آن که اهالی خیبر به دعوت عالم بودند، اما رسول خدا سه روز سفیران و دعوت‌گران خویش را به نزد آنان می‌فرستد تا آنان را به اسلام رهنمون باشند. «ابن هشام، *السیره النبویه*، ۲۱۶/۳»

از مجموع آیات ناظر به دعوت و روایات و سیره پیامبر اسلام و رهبران دینی به دست می آید که دعوت، یکی از اصول اساسی در روابط خارجی اسلام با جوامع غیر اسلامی است و چنان اهمیتی دارد که جهاد غیر مسبوق به دعوت را از مشروعیت خارج می سازد و بیشتر فقهای شیعه و سنی بر این امر اجماع نظر دارند. «ابن هشام، السیره النبویه، ۲۱۶/۳»

لذا بر اساس اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری هم که بیان داشتند: «دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه ای را باز کند. ما به این پدیده ای که در انتظار آن هستیم میگوییم تمدن نوین اسلامی ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت». (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸، <https://khl.ink/f/31770>).

مسلمانان باید به دنبال دعوت بشریت به اسلام و آرمان های پیامبر بزرگ اسلام باشند. تألیف قلوب نیز یکی از روش های دعوت به اسلام است که مبانی قرآنی و روایی دارد. در قرآن کریم و در آیات متعددی به تألیف قلوب اشاره شده است. خداوند متعال در سوره ی انفال آیات ۶۲ و ۶۳ و هم چنین آیه ی ۱۰۳ سوره ی آل عمران و سوره توبه، آیه ۶۰ به این مهم اشاره نموده است. در روایات نیز به تألیف قلوب توجه شده است. پیامبر می فرماید:

«خيارُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقاً الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ» «نوری، مستدرک، ۴۵۱/۸» «بهترین شما از لحاظ اخلاقی کسانی اند که انس و الفت ایجاد می کنند و با دیگران الفت می گیرند.» حضرت علی (ع) نیز می فرماید: «طُوبَى لِمَنْ يَأْلَفُ النَّاسَ وَ يَأْلَفُونَهُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ» «مجلسی، بحار الأنوار، ۵۶/۷۵» «خوش به حال کسی که با مردم انس و الفت می گیرد و مردم هم بر اطاعت از خداوند با او الفت می گیرند.»

در آخر نیز امام صادق (ع) در حدیثی ضمن بیان مصارف زکات، در رابطه با مؤلفه قلوب که یکی از موارد مصرف زکات به حساب می آید، می فرمایند:

«مؤلفه قلوبهم عبارتند از مردمی که قائل به توحید خدا هستند و لکن هنوز معرفت در دل هایشان راه نیافته و نفهمیده اند که محمد (ص) رسول خدا است؛ لذا رسول خدا دل های ایشان را به دست می آورد و به ایشان زیاده از حد محبت می کرد و تعلیم می داد تا شاید او را به نبوت بشناسند و یک سهم از صدقات را هم برای آنان قرار داد تا دل هایشان به اسلام متمایل گردد.» «طباطبایی، المیزان، ۳۱۱/۹»

از آن جا که در آیات قبل خداوند به مسلمانان دستور به قطع رابطه با کفار داده بود، احتمال آن وجود داشت که این دستور نوعی خلأ عاطفی در میان برخی مسلمان ها که اقوام شان کافر بودند، ایجاد نماید؛ لذا خداوند برای پاداش دادن به آن ها و رفع این کمبود، به آن ها بشارت داده می فرماید: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً...» (ممتحنه/۷)

مقام معظم رهبری در جمع خبرگان رهبری بیان داشتند که: «ما بایستی تلاش کنیم، یعنی در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگ و مهم این است که ما همه - هرکسی در هر نقطه ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد - باید

تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱، <https://khl.ink/f/29151>).

خداوند با این آیه به مسلمانان امید می‌دهد که از هدایت یافتن کفار مأیوس و ناامید نشوند و خداوند خود این مودت را بین مسلمانان و کافران قرار می‌دهد. البته بعد از آن که به دین اسلام هدایت و دعوت شوند. با این مژده‌ی الهی، مسلمانان امیدوارانه به دعوت دین حق پرداختند و همین طور این آیه تلمیحی است به قضیه‌ی فتح مکه که کافران فوج فوج به اسلام گرویدند.

هم چنین پرداخت پول به غیر مسلمانان از بیت‌المال مسلمین جهت تألیف قلوب ایشان و همین طور عتق رقبه با این اموال به منظور گرویدن آنان به اسلام، به پشتوانه همین امید و مژده‌ای است که خداوند در این آیه به مسلمانان داده است. «طبرانی، تفسیر، ۲۵۹/۶» علامه در بحارالانوار به نقل از شیخ طبرسی چنین می‌نویسد: «منظور از دشمنانی که در این آیه آمده است، کفار مکه است که با اسلام بین آن‌ها و مسلمانان مودت برقرار می‌شود. مقاتل در این باره می‌نویسد: زمانی که خداوند دستور عداوت نسبت به کفار را صادر فرمود، مسلمانان با اجرای این حکم به بستگانشان عداوت ورزیدند و آن گاه خداوند این وعده را نازل فرمود که این آیه اشاره به این دارد که موالات کفار منفعتی ندارد و خدای متعال قادر است به این که توفیق ایمان به کفار دهد و مودت بین آنان و مسلمانان ایجاد نماید که این وعده را خداوند با فتح مکه عملی نمود. در ادامه آیه می‌فرماید «و خداوند قدیر است» بر نقل قلوب از عداوت به مودت؛ «و خداوند غفور است» نسبت به گناهان بندگان؛ «و خداوند رحیم است» نسبت به آنان هنگامی که اسلام می‌آورند و توبه می‌کنند.» «مجلسی، بحارالانوار، ۹۶/۲۱».

طبری در جامع البیان نیز نظیر همین معنا را در تفسیر این آیه شریفه، آورده است. «طبری، جامع البیان، ۴۲/۲۸» نکته‌ی جالب توجه در تمام این آیات این است که تألیف قلوب در همه موارد به خداوند نسبت داده شده است تا جنبه الهی این رخداد روشن شود «طبرسی، مجمع البیان، ۸۵۴/۴» زیرا مردم پیش از اسلام دشمنان یکدیگر بودند و هیچ قدرتی نمی‌توانست آن دشمنی را به دوستی بدل کند. آموزه‌های اسلام و اخلاق پیامبر این تحول را ممکن ساخت. هم چنین تعبیر «فَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» از اصلاح بنیادین و ریشه کن کردن دشمنی‌ها و نه تنها اصلاح ظاهری حکایت دارد. «العسقلانی، فتح الباری، ۴۱/۸». رفتار کردن بر پایه معارف الهی اسلام، سبب رفع ریشه‌های دشمنی مانند حرص، طمع و تعصبات جاهلی شد و آن دشمنی‌ها از میان رفت و الفت و محبت در دل‌ها برقرار گشت.

۴- اصل ارتباط و اقدام متقابل

خصوصیات اجتماعی و نیازهای فطری، غریزی و عقلانی انسان همواره منشاء پیدایش رابطه میان انسان‌ها بوده است. تاریخچه این روابط نیز از زمانی آغاز شد که بشر برای رشد و تکامل خود مجبور به همکاری با محیط پیرامون و رشد و گسترش این رابطه گردید.

به دلیل بهره‌مندی هر سرزمینی از مواهب خدا دادی خاص و عدم تمرکز آن در همه سرزمین‌ها، انسان اجتماعی از زمان‌های دور در قالب واحدهای اجتماعی بدوی و جوامع ابتدایی سعی نموده از طریق ارتباط با دیگر جوامع بر کمال خویش بیفزاید و از این رهگذر، تبادل، اثرگذاری و تأثیرپذیری امری بدیهی میان جوامع انسانی و انسان‌ها بوده است. بنابراین، اصل رابطه برای انسان، به عنوان یک موجود اجتماعی اصلی اجتناب‌ناپذیر است.

آن چه امروز از واقعیات روابط بین الملل مشهود است این که عموماً ماهیت اصول و روش‌ها در روابط بین الملل، سیاست بین الملل و دیپلماسی با موازین انسانی و اخلاقی سازگار نیست و آمیختگی آن با مواردی چون شیوه‌های زیرکانه و شیطنت‌آمیز، دسیسه، فریب، توطئه‌های گوناگون، اتکا به قدرت، سوءاستفاده از ضعف‌ها، تطمیع، حمایت‌های موسمی و صوری، تحمیق و ایجاد خوش‌بینی، تزویر و ریا، تهدیدات و اظهارات دروغین، رفتار حاکمانه، عهدشکنی، فریب‌کاری و نفاق و دیگر اصول و روش‌های منفی کاملاً آشکار است. و بنا به نظر مقام معظم رهبری که مجامع بین‌المللی را شریک جرم دولت‌های استکباری می‌داند. (امام خامنه‌ای، بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۹۰/۰۷/۰۹، <https://khl.ink/f/17401>).

روابط قدرت‌های استکباری با کشورهای دیگر از مصادیق آشکار استفاده از اصول و روش‌های منفی در دنیای امروز است. لذا ایشان بارها فرمودند: «آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی از اسرائیل حمایتی بی‌دریغ و آشکار می‌کنند و میثاق‌های بین‌المللی را زیر پا می‌گذارند و یک‌بار دیگر برای همه دنیا به اثبات می‌رسد که نگاه قدرت‌های بزرگ به معاهدات و مجامع بین‌المللی، یک نگاه ابزاری است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۰/۱۱/۱۱، <https://khl.ink/f/3103>).

پیامبر اکرم (ص) بر اساس رسالت الهی خویش برای دعوت مردم به سوی خدا و گسترش عدل و قسط ناگزیر از برقراری رابطه و اتخاذ راه‌های دیپلماتیک برای تحقق رسالت خویش بوده است.

عباسعلی عمید زنجانی در فقه سیاسی، شیوه‌ها، اصول و ضوابط رفتار سیاسی پیامبر را امتیاز دیپلماسی ایشان می‌داند و می‌گوید: «امتیاز دیپلماسی پیامبر اسلام در این است که شیوه‌های ایشان بر قوانین اجتماعی و جهان‌بینی واقع‌بینانه و اصول و ارزش‌های انسانی متکی بود و اساس آن را اصول و ضوابطی تشکیل می‌داد که از وحی و موازینی شناخته شده عقلی نشأت می‌گرفت» «عمید زنجانی، **فقه سیاسی: ۲۷۲**»

رهبر انقلاب فرمودند: «ما هیچ احتیاجی به بیگانه نداریم. البته ما با همه دنیا ارتباط داریم؛ ما درهای اقتصاد و تحرکات گوناگون کشور را بر روی ملت‌ها و کشورهای دیگر بسته‌ایم؛ ما از تجربه‌ها استفاده می‌کنیم و مبادلات داریم؛ اما بر اصول و ارزش‌ها و مصالح ملی و هویت اسلامی این ملت تکیه می‌کنیم.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۸۱/۰۲/۱۱، <https://khl.ink/f/3117>).

شیوه‌ها و اصول روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فکری در مکتب اسلام همواره انسان دوستانه است؛ چرا که هدف عمده در این روابط، سعادت اخروی و دنیوی بشر است و پیامبر هیچ‌گاه از ضد ارزش در پیشبرد اهداف خویش

استفاده نکرد؛ چه آن که دستیابی به اهداف متعالی در رسالت اسلامی نمی‌تواند با هر وسیله و ابزاری محقق شود و هدف در دیپلماسی اسلام هیچ‌گاه وسیله را توجیه نمی‌کند از این رو می‌توان جهت ارتباط و اقدام متقابل با دیگران از شیوه‌های ذیل براساس گزاره‌های مطرح در سوره مبارکه ممحنته استفاده نمود.

۴-۱. تعامل نیک و رعایت قسط با کفار غیر حربی

ارتباط و رعایت قسط و عدل با کفار غیر حربی از آیه شریفه «لَا يُنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ ...» (ممتحنه/۸) بدست می‌آید. در این آیه شارع مقدس، به کافران غیر حربی اشاره می‌کند که سر جنگ با مسلمانان ندارند و مسلمانان را به ارتباط، تعامل نیک و رعایت قسط و عدالت نسبت به آنان توصیه می‌کند. در تفاسیر یکی از مصادیق احسان و بر به کفار غیر حربی، یاری کردن ایشان در هنگام نیازشان است. «دینوری، **الواضح فی تفسیر القرآن الکریم**، ۳۹۹/۲». دادن صدقه به ایشان نیز با شرایطی جایز است، از جمله آن که صدقه از نوع صدقاتی نباشد که امام باید بگیرد. «جصاص، **احکام القرآن**، ۱۸۰/۲».

در آیات قبلی نیز صله رحم با کفار بر مسلمانان حرام شده بود که این آیه، کفار غیر معاند را از این قاعده مستثنی می‌داند و برای مسلمانان صله با ارحام کافر غیر حربی را روا می‌دارد. «طبرسی، **تفسیر جوامع الجامع**، ۲۹۹/۶» هم چنین استغفار کردن برای آنان نیز جایز شمرده شده است. «سیوطی، **الدر المنثور**، ۲۰۵/۶».

با توجه به همین آیه، حکومت اسلامی مجاز به ارتباط و تعامل با کفار غیر حربی و کسانی است که علیه مسلمانان قصد براندازی و اقدام خصمانه ندارند.

در بیانات مقام معظم رهبری آمده است که: «خوشبختانه امروز علی‌رغم تلاش دشمنان دنیای اسلام و علی‌رغم تلاش دستگاه‌های جاسوسی آمریکا و صهیونیستی که دائم مشغول فتنه‌انگیزی هستند و به کوری چشم آنها، روابط دولت جمهوری اسلامی با کشورهای منطقه کشورهای عربی، کشورهای غیر عربی سالم و خوب و برادرانه است؛ و این باید روز به روز تقویت شود.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم لار، ۱۳۸۷/۰۲/۱۹، <https://khl.ink/f/3437>).

بر همین اساس است رعایت عدالت نسبت به آنان در وفای به عهد و پیمان‌هایی که مسلمانان با آنان بسته‌اند. «طبرانی، **التفسیر الکبیر**، ۲۵۹/۶» و امام خامنه‌ای نیز می‌فرماید: «این دستور قرآن است - با کفار، با کسانی که با شما همعقیده نیستند، اما به شما تجاوز نکردند؛ تعرض نکردند؛ تعدی نکردند؛ با شما ظالمانه برخورد نمی‌کنند، به اینها اعمال قسط کنید؛ نیکی کنید. «و ان تبرّوهم»؛ به آنها نیکی کنید. دستور اسلام این است». (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز: ۱۳۸۵/۶/۲۷).

ابن عربی درباره‌ی واژه‌ی عدل در این آیه معتقد است که منظور از عدل، رعایت انصاف در حق مشرکان غیر محارب نیست؛ چرا که رعایت عدالت و انصاف واجب است هم برای کفار محارب هم غیر محارب. بلکه منظور از قسط، آن است که مسلمانان بخشی از دارایی خود را به آنان به نحو صله ببخشند. «ابن عربی، **احکام القرآن**، ۱۷۸۵/۴».

۴-۲. برانیت از دشمنان و اقدام متقابل آشکار

خداوند متعال در آیه «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...» (ممتحنه/۴)، حضرت ابراهیم و یارانش را اسوهی برائت از کافران و اقدام متقابل علیه آنان معرفی می‌کند. به این صورت که عملاً به مخالفت با دشمنان برآمدند و عداوت قلبی شان را نیز با آنان ابراز داشتند؛ زیرا آن‌ها ایمان به وحدانیت خداوند متعال نداشتند و در برابر حضرت ابراهیم و اصحابش موضع شدید می‌گرفتند لذا حضرت ابراهیم نیز مأمور به اقدام متقابل با آنان شد.

بر اساس همین اقدام متقابل است که رهبر انقلاب اسلامی در طرح سه فوریتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، که همان اصلاح قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران به عنوان سازمان تروریستی توسط آمریکا را تصویب کردند بیان فرمودند: «البته نمایندگان کنونی مجلس کار خوبی کردند؛ این آخر، بعد از شهادت شهید سلیمانی، علیه آمریکا حرکت خوبی را انجام دادند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶، <https://khl.ink/f/44827>).

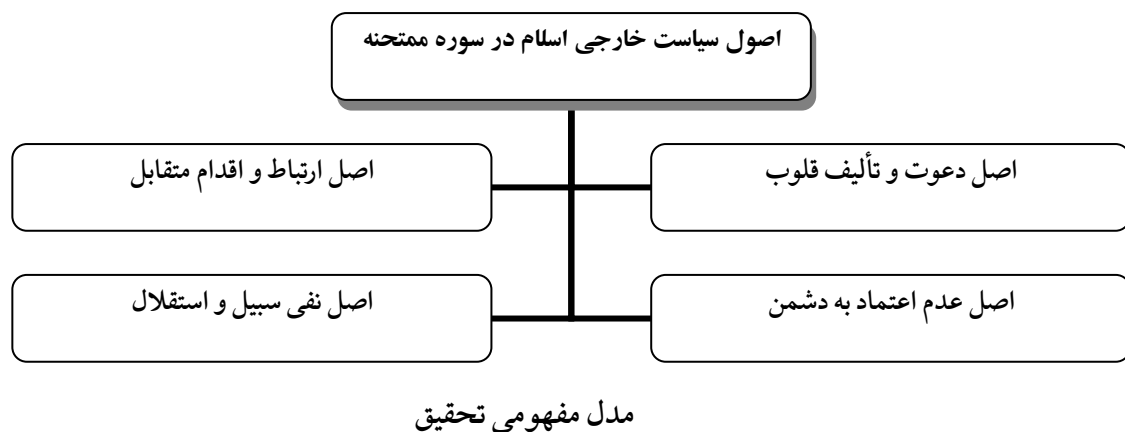
۴-۳- قطع ارتباط و پیوند دوستی

کافران در مواجهه با پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان به دو گروه تقسیم شدند؛ گروهی که در مقابل مسلمانان ایستادند و شمشیر به روی آن‌ها کشیدند و آن‌ها را از خانه و کاشانه شان به اجبار بیرون کردند و خلاصه عداوت و دشمنی خود را با اسلام و مسلمانان در گفتار و عمل آشکارا نشان دادند؛ تکلیف مسلمانان این است که هر گونه مراد و ارتباط و تعامل با این گروه را قطع کنند و از هر گونه پیوند محبت و دوستی خودداری نمایند که مصداق روشن آن مشرکان مکه مخصوصاً سران قریش بودند؛ گروهی رسماً دست به این کار زدند و گروهی دیگر نیز آن‌ها را یاری کردند لذا قرآن کریم دستور به قطع ارتباط با آنان را صادر نموده است: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ...» (ممتحنه/۹)

اما دسته دیگری بودند که در عین کفر و شرک کاری به مسلمانان نداشتند، نه عداوت می‌ورزیدند، نه با آن‌ها پیکار می‌کردند، و نه اقدام به بیرون راندنشان از شهر و دیارشان نمودند، حتی گروهی از آن‌ها پیمان ترک محاصره با مسلمانان بسته بودند، نیکی کردن با این دسته و ارتباط و تعامل و اظهار محبت با آن‌ها بی‌مانع بود، و اگر معاهده‌ای با آن‌ها بسته بودند باید به آن وفا کنند و در اجرای عدالت بکوشند.

مقام معظم رهبری در تفسیر و تبیین این آیه شریفه خطاب به جامعه مسلمین می‌فرماید: «باید با کسانی شدید بود که با هویت، اسلام، ملیت، کشور، تمامیت ارضی، استقلال، شرف، عزت، ناموس، سنتها، فرهنگ و ارزشهای شما مبارزه می‌کنند. این فرهنگی است که باید بر جامعه‌ی ما حاکم باشد. تساهل و تسامح باید بین خود مسلمانان برقرار باشد»؛ (بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان: ۱۳۸۱/۱۲/۶، <https://khl.ink/f/8798>)

بر این اساس منطق کلام وحی زیست مسالمت آمیز و ارتباط ممدوح و مطلوب با آحاد جامعه بشری با ملیت‌ها و گرایش و باورهای گوناگون است؛ اما در برابر معاند متخاصم و متجاوز تحت هیچ شرایط اجازه سرسپردگی و بردگی و اسارت را نداده و استعلا و تفوق و سربلندی در همه حوزه‌ها را به عنوان مطالبه جدی از آحاد امت اسلامی خواسته و اجازه کوتاهی در این امر مهم به هیچ کس داده نشده است.



نتیجه گیری

بر پایه مباحث مطرح شده مشخص گردید که حکومت اسلامی باید با کشورها و حکومت‌های مختلف، ارتباط و تعامل داشته باشد؛ لذا اسلام بر اساس ایدئولوژی و مبانی خود، اصولی را برای این تعاملات و ارتباطات، مطرح می‌سازد. از اندیشه‌های مقام معظم رهبری که الهام گرفته از قرآن کریم و با استفاده از محتوای سوره‌ی ممتحنه، چهار اصل در سیاست خارجی اسلام در نحوه‌ی تعامل با حکومت‌های غیر مسلمان، قابل بررسی است؛ که این اصول عبارتند از: ۱- اصل عدم اعتماد به دشمن و هوشیاری در برابر کید آنان. ۲- اصل نفی سییل و استقلال مسلمانان؛ ۳- اصل دعوت و تألیف قلوب. ۴- اصل ارتباط و اقدام متقابل. در این نوشتار این اصول براساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری بررسی شده است؛ تا فهم دقیقی از حکومت‌داری و چگونگی تعامل در زمینه‌ی اصول سیاست خارجی اسلام در رابطه با تعامل با جوامع دیگر روشن گردد. از آن چه بیان شد، مشخص گردید که از نگاه قرآن، ارتباط با جوامع اسلامی، جایز و حتی واجب است؛ اما در رابطه با ارتباط با جوامع غیر مسلمان، شارع مقدس آنان را به دو دسته‌ی کفار حربی و غیر حربی تقسیم می‌کند. در خصوص کفار غیر حربی، موضع اسلام بنا بر اندیشه‌های رهبر انقلاب، موضعی تعاملی و غیر خصمانه است؛ چرا که آنان سر جنگ با مسلمانان ندارند و اگر مصلحت و منفعت مسلمانان حکم کند، اسلام جواز ارتباطات بین‌المللی را با شرایطی صادر می‌کند. اما در رابطه با کفار حربی، که موضع خصمانه شان را ابراز می‌کنند، در ابتدا اسلام به موعظه و دعوت دستور می‌دهد و در صورت عدم افاده و تعرض دشمن، به جهاد فی سبیل الله امر می‌کند. این مسئله نشان دهنده‌ی تقدم اصل دعوت بر جهاد است و نشان از صلح‌جویی اسلام دارد. چنان که با مشاهده در تاریخ هم می‌بینیم که اولیاء الهی، هرگز آغازگر جنگ نبوده‌اند و قبل از جهاد، دعوت را مقدم می‌شمردند. به نظر می‌رسد جعل این احکام و شرایط از سوی شارع مقدس، به این سبب باشد که آرامش و امنیت مسلمانان حفظ شود و زمینه‌ی تسلط کفار بر مسلمانان از بین برود تا دین خداوند با تشکیل حکومت اسلامی جهانی، در حد کمال خود تحقق یابد.

کتابنامه

• قرآن

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *فتح الباری*، ۲ جلد، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
۲. ابن عربی، محمد بن علی، *تفسیر ابن عربی*، ۲ جلد، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۳. ابن هشام، عبد الملک، *السيرة النبوية*، کتابچی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۴. جصاص، احمد بن علی، *احکام القرآن*، ۵ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۵. جعفری تبریزی، محمد تقی، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۶. الحسینی الکفوی، أبوالبقاء، آیوب بن موسی، *الکلیات*، مؤسسه الرساله، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۷. حقیقت، سید صادق، *مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات، <https://farsi.khamenei.ir/search>
۹. خوشوقت، محمد حسین، *تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، وزارت امور خارجه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. دهشیری، محمد رضا، *اصول و مبانی دیپلماسی اسلامی*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. دینوری، عبدالله بن محمد، *الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، ۲ جلد، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
۱۲. راغب الاصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد بن المفضل، *المفردات فی غریب القرآن*، دفتر نشر الکتاب، الطبعة الثانی، ۱۴۰۴ هـ ق.
۱۳. الزحیلی، وهبة، *آثار الحرب فی الاسلام*، دارالفکر، دمشق، ۱۹۹۲ م.
۱۴. زحیلی، وهبة، *تفسیر الوسیط زحیلی*، ۳ جلد، دارالفکر، چاپ اول، دمشق، ۱۴۲۲ ق.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، ۶ جلد، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. شکوری، ابوالفضل، *فقه سیاسی اسلام*، نشر خُر، قم، ۱۳۶۱ ش.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، *تفسیر الکبیر*، ۶ جلد، دار الکتاب الثقفی، چاپ اول، اردن-اربید، ۲۰۰۸ م.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، ۴ جلد، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، ۶ جلد، مرتضوی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ۱۰ جلد، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت.
۲۳. عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی*، ۳ جلد، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۲۱ ق.
۲۴. قرائتی، محسن، *تفسیر نور (۱۰ جلدی)*، انتشارات مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۹۲ ش.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، ۲ جلد، دار الکتاب، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۷. کاظمی، علی اصغر، *روابط بین الملل در تئوری و در عمل*، قومس، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۲۸. متقی هندی، علی بن حسام، *کنز العمال*، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۹۷۹ م.
۲۹. مجلسی، محمد تقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، ۴۲ جلد، اسلامیه، چاپ مکرر، تهران، مختلف.
۳۰. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار شهید مطهری*، ۳۰ جلد، صدرا، چاپ هفتم، قم، ۱۳۶۷ ش.
۳۱. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، ۵ جلد، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
۳۲. مقتدر، هوشنگ، *مباحثی پیرامون سیاست بین الملل و سیاست خارجی*، انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ۲۷ جلد، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۳۴. موسوی خمینی، روح الله، *تفسیر سوره حمد*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۳۵. موسوی خمینی، روح الله، *صحیفه ی امام*، ۲۲ جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۹ ه. ش.
۳۶. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، ۱۴۰۸ ق.
۳۷. واحدی، علی بن احمد، *الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، دار التعارف للمطبوعات، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۳۸. یوسفی، حسین، *فرهنگ عربی - فارسی*، دانشگاه مازندران، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.